نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۴ ساعت ۰۴:۴۱



نود و یکسال پیش در چنین شوم روزی (۱۰ شهریورماه ۱۲۹۴ خورشیدی) رئیسعلی دلواری، آزادیخواه بزرگ و رهبر جنبش ملی در تنگستان و بوشهر که جان برکف بر علیه نیروهای متجاوز و غارتگر بریتانیایی می جنگید، جان خویش را فدای دفاع از مام ایران و ایرانیان نمود و با گواکی[1] خود، مادرمان ایران را بخاطر از دست دادن یکی از آزاده ترین و پاک سرشت ترین فرزندانش به غم نشاند.

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۴ ساعت ۰۴:۴۱

رئیسعلی (رئیس علی) دلواری فرزند رئیس محمد شهروند خانات تنگستان در سال ۱۲۶۰ خورشیدی در روستای دلوار از شهرستان تنگستان در استان بوشهر در کرانه آبهای نیلگون خلیج فارس چشم به جهان گشود.[2] دوران جوانی رئیسعلی همزمان با حضور گسترده بریتانیای تجاوزگر در خلیج فارس بود، که این قهرمان بزرگ ملی که بعدها نماد پایداری ایرانیان و مبارزه با استثمار[3] بیگانه شد، نقشی کلیدی در قیام جنوب کشور و دفاع از مام ایران در برابر اشغالگران بریتانیایی ایفا نمود.

رئیسعلی و جنگ جهانی اول

در آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ قوای روس از شمال و نیروهای بریتانیایی از جنوب، ایران را در معرض یورش خود قرار دادند. کشتیهای جنگی بریتانیا در مقابل بوشهر لنگر انداخته تا سرانجام در ۸ اوت ۱۹۱۵/ ۱۷ امرداد ۱۲۹۴ بصورت تدریجی آهنگ اشغال بوشهر و نواحی ساحلی اطراف را کردند. یک روز پس از اشغال بوشهر، چهارده تن از ساکنین آن علیه اشغالگران اعتراض کردند، ولی چون اهل جدال و اسلحه نبودند دستگیر و به هندوستان تبعید شدند. در همان هنگام و پیش از ورود بریتانیائیها به بوشهر، رئیسعلی همراه دوستش خالو حسین دشتی در واپسین روزهای تیرماه ۱۲۹۴ خورشیدی آمادگی خود را با دو هدف عمده، که پاسداری از بوشهر، دشستان و تنگستان به عنوان منطقه سکونت خود و جلوگیری از پیشروی نیروهای بیگانه اشغالگر به درون مرزهای ایران و دفاع از استقلال وطن اعلام داشتند.

نبرد دلوار و آغاز قیام دلیران تنگستان

دلوار محلی بود که پیش از آن چندین بار سربازان بریتانیایی به آنجا تجاوز کرده و طعم شکست را در این ناحیه چشیده بودند، و اینبار نیز همزمان با یورش به بوشهر، آهنگ تصرف ناحیه دلوار را در سر پرورانده بودند. رئیسعلی دلواری و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و زایرخضرخان اهرمی، آگاه از برنامه دشمنان و در مقام دفاع از وطن بر آمدند، که قیام دلیران تنگستان علیه اشغالگران آغاز شد و نیروهای متجاوز بریتانیایی که بیش به پنج هزار نفر بودند در دام دلیرمردان تنگستانی

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۴ ساعت ۰۴:۴۱

گرفتار آمده و شمار زیادی از متجاوزان بریتانیایی در این یورش تلف شدند.

عملیات چریکی پیروزمندانه رئیسعلی بر علیه اشغالگران بیگانه، سایر مبارزان تنگستان را تشویق کرد تا او همراه شوند و بدان خاطر تا تابستان ۱۲۹۴ خورشیدی ضربات سنگینی را بر نیروی دریایی بریتانیا وارد ساختند تا بدانجایی که بریتانیاییها وادار شدند نیروهای کمکی از عراق و هند به بوشهر گسیل و دلوار را بمباران کنند.

نبرد بوشهر

زمانی که مقامات بریتانیایی تصمیم قطعی درباره اشغال بوشهر و پیشروی به سوی شیراز را داشتند به منظور فرمانبردار ساختن رئیسعلی، یکی از مزدوران خود را بنام حیدرخان حیات داودی، بهمراه دو تن دیگر به دلوار گسیل داشتند تا همراهی او را با پیاده شدن قوای بریتانیا در کرانه خلیج فارس و حرکت به سوی شیراز جلب کنند. حیدرخان ضمن دیدار با رئیسعلی یادآور شد که چنانچه او از قیام علیه قوای اشغالگر چشم پوشی کند، مقامات بریتانیایی چهل هزارپوند به او خواهند پرداخت، ولی رئیسعلی در پاسخ به آن وطنفروش می گوید: "چگونه میتوانم بیطرفی اختیار کنم در حالی که استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار گرفته است؟"

پس از بازگشت حیدرخان، بلندپایگان بریتانیایی نامه تهدیدآمیزی مبنی بر اینکه: "چنانچه بر ضد دولت انگلستان قیام و اقدام کنید، مبادرت به جنگ مینماییم، در این صورت خانههایتان ویران و نخلهایتان را قطع خواهیم کرد" به رئیسعلی فرستاده می شود. رئیسعلی در پاسخ به متجاوزان می نویسد: "خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آنها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراطوری بریتانیای کبیر است. بدیهی است که در صورت اقدام آن دولت به جنگ با ما، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد."

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۴ ساعت ۰۴:۴۱

گواکی شهنشاه آزادگان در راه ایران

جنگ میان دلیران تنگستان به رهبری رئیسعلی از یکسو و نیروهای بریتانیا و خوانین خودفروش و متحد آنان از سوی دیگر به طور پیاپی و پراکنده تا شهریور ۱۲۹۴ خورشیدی ادامه یافت و بریتانیاییها و مزدورانش همچنان نتوانستند بر رئیسعلی و یارانش برتری یابند. تجاوزگران بیگانه تنها راه را از میان برداشتن رئیسعلی دانسته و بدین منظور با پرداخت پول به یکی از مدافعان در سپاه رئیسعلی بنام غلامحسین تنگکی، در گیرودار یورش بریتانیاییها به بوشهر در شب ۱۰ شهریور ۱۲۹۴ (۲ سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی) رئیسعلی را در محلی به نام 'تنگک صفر' هنگام شبیخون به قوای بریتانیا او راز پشت سر هدف گلوله و به گواکی رساند.[4] **رئیسعلی دلواری ۳۳ سال بیش نداشت که در راه دفاع از خاک مقدس ایران جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیکر پاک او را برخلاف وصیتش که می خواست در خاک ایران و درکنار یار مبارزش "خالو حس ن" در بوشهر به خاک سپرده شود**[5]**، بدستور بریتانیایی ها به نجف در عراق امروزی که زیرکنترل آنان بود برده شد و در گورستان 'وادی السلام' بخاک سپردند، تا مبادا کسی برای او یادبودی بسازد و احساسات ضدانگلیسی ادامه یابد.**[6]

در دهه ۲۰ خورشیدی و پیش از جنگ جهانی دولت ایران، رضاشاه تلاش برای بازگرداندان بازمانده این بزرگمرد به ایران بود که با مخالفت روحانیون وقت و دولت بریتانیا قرار گرفت. بدینروی بدستور دولت وقت چهار طاقی بر روی آرامکده رئیسعلی بپا داشتند که تا سی سال پیش همچنان پای برجا بود - ولی امروز تنها پایه های آن بازمانده است و پیرامون خاکش، با زباله های باصطلاح "زوار" شیعه بویژه ایرانیان مذهبی مخدوش شده است!

در هر روی، شوربختانه پایداری و مبارزات تنگستانی ۵ سال پس از گواکی رئیسعلی توسط نیروهای سرکوبگر میرزامحمد مصدق السطنه (معروف به دکتر مصدق) که در مهرماه ۱۲۹۹ والی (استاندار) استان فارس شده بود پایان یافت. در اینباره مصدق السطنه با بیشرمی در مجلس دوره چهاردهم اعلام کرده بود:

"بنده مأمورین خوب از انگلستان دیده ام من مأمورین بسیار شریف و وطن دوست(!) از انگلستان دیده ام من مذاکراتی در شیراز و در تهران با اینها دارم. یک روز ماژور قنسول انگلیس آمد و به من گفت: ما حکم داده ایم تنگستانی ها را تنبیه بکنند من حالم به هم خورد و گفت: شما چرا حالتان به هم خورد گفتم: چون این صحبتی که کردید نه در نفع شما بود نه نفع ما.

گفت: توضیح بدهید گفتم: شما پلیس جنوب را مأمور تنبیه تنگستانی ها بکنید بر منفوریت آنها افزوده می شود. تنگستانی ها اگر شرارت می کنند من تصدیق می کنم، اگر بعضی از آنها راهزنی می کنند من تصدیق دارم و اگر آنها را پلیس جنوب تنبیه کند آنها جزء شهدا و وطن پرست ها می شوند. و من راضی نیستم و من که والی هستم (مصدق در آن والی شیراز بود) آنها را تنبیه کنم به وظیفه خود عمل کرده ام و کار صحیحی کرده ام گفت: توضیحات شما مرا قانع کرد شما کار خودتان را بکنید، من از شما تشکر می کنم. بعد از چند روز من تنگستان را امن کردم و ماژور هوور آمد و از من تشکر کرد![7]"

روشنفکری، روشنگری و میهنپرستی رئیسعلی

قشر روضه خوان که وجود خود را مدیون و مرهون سرکان ملکم می باشد، با سواستفاده از مذهب از همکاری مردم با رئیسعلی جلوگیری می کردند، که این مساله سد بزرگی در مبارزاتش با استثمار بریتانیا شمرده می شد.

رئیسعلی یک فرد دیندار و با ایمانی بود و بدینروی با خرافات و مسائلی که مجتهدین سرسپرده و حقوق بگیر بیگانگان، بویژه بریتانیا از آن سواستفاده میکرد، به مخالفت برخواسته و اعتراض خود را با شهامت اعلام میداشت. از جمله می گویند، رئیسعلی در روز ۲۶ آبانماه ۱۲۹۴ وارد حسینیه دلوار میشود که مردم در حال عزاداری ایام عاشورا و در حال سینه زدن بودند. رئیسعلی بالای پلههای حسینیه قرار گرفت و با صدای بلند گفت: "ای مردم! بجای آنکه بر سر و سینه خود بزنید و برای ماجرای هزار و چهارصد سال پیش گریه کنید بپا خیزید و اسلحه برگیرید که دشمن بر خاک و ناموس شما مسلط شده است. برخیزید که سکوت شما بدتر از کار لشگر یزید است."[8]

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۴ ساعت ۰۴:۴۱

نُه سال تا یکصدمین سالگرد گواکی[:شهادت] رئیسعلی

رئیسعلی و دیگر مبازان راه آزادی همانند او نه نیازمند گنبد و گلدسته هایی از جنس طلا هستند و نه خواهان محبوس شدن زندان هایی زرین که ضریح می خوانندش و نه خواهان آوردن مردم بر سر خاکش با رشوه و وعده خوراک رایگان و تهدید و اجبارن است - زیرا که رئیسعلی ها در قلب های یکایک ما ایرانیان زنده و پویا می باشند . . . ولی ایکاش قطره ای از میلیاردها دلار چپاوول و غارت و دزدی - یا برپا ساختن کوهی از طلا و نقره بر روی خاک بیگانگان و ایرانفروشان، که پیش از مرگ وجود هرکدام از آنان تا گلو، به خون ایرانی آغشته بوده است، رژیم نوقاجاری روضه خوانان نیز آرامگاهی در خور و شایسته این بزرگمرد و گواکی راستین راه میهن بمناسبت یکصدمین سال جانباختنش بپا می ساخت - که بدون هیچ گمانی رژیم دست نشانده حتی نامی از او بر زبان نخواهد آورد تا مبادا اربابانشان در لندن دلگیر و دلخور نگردند. ولی امیدواریم که نظام آینده پس از سرنگونی رژیم کنونی دست نشانده بیگانگان، این روز را به افتخار، بزرگداشت و پاسداشت رئیسعلی و دیگر مبارزان در دفاع از مام وطن "روز پایداری ملی در مبارزه با استثمار بیگانگان" نامگذاری کند.

روانش پاک میهنپرست رئیسعلی و یاران مبارزش شاد، یادشان گرامی، راهشان پر روهرو و بهشت برین جایگاهشان باد!

شاپور سورنپهلو

روز دیبمهر از ماه شهریور سال ۳۷۴۳ بهدینی

۲ سپتامبر ۲۰۰۶ ترسایی

بازبُردها [:منابع] و فرانمودها [:توضیحات]:

پیوند کوتاه شده اینترنتی به این نوشتار: https://goo.gl/3DH3Tf

1 - گُواکی واژه ای پهلوی است که می تواند برابر واژه تازی "شهادت" و به معنی "جان فدا کردن یا جانبازی در راه دین، میهن یا باور" بکار برده شود. واژه "گواهی دادن" در فارسی نو از آن واژه ریشه گرفته شده است که در درازای زمان تغییر معنا داده و مبدل به "شهادت دادن" یا "سوگند یاد کردن' (در دادگاه و غیره) شده است. نیز می توان گمان داد که این واژه در زبان پارسی باستان وجود داشته است و در زمان هخامنشیان و زمان ساخت کیش یهودیت بدست ایرانیان بوده است که این واژه وارد تورات و عهد عتیق گشته و واژه عبری 'هَه شَم کیددوش' را ساخته است - که پس از آن وارد زبان تازی و مبدل به واژه "شهادة" شده است. در زبان انگلیسی برابر واژه گواکی Martyr می باشد. برای اطلاعات بیشتر در مورد ساخت کیش یهودیت بدست ایرانیان هخامنشی به نوشتار پژوهشی-دانشگاهی "ایران و ساخت کیش یهودی؟" نوشته دکتر مایکل مگی مراجعه شود: https://bit.ly/3bc1vW4

2 - روستای دلوار بندر کوچکی در پنجاه کیلومتری بوشهر است و کار و پیشه مردمانش اغلب ماهیگیری است. واژه دلوار (Dolv r) به معنای " دلاور " گاه که است " دلبار" هم گفته می شود.

3 – بسیاری به نادرستی بجای واژه "استثمار" بریتانیا در ایران، از واژگان "استعمار بریتانیا" بهره وری میکنند. این بدان خاطر نادرست است که ایران در گذشته همواره مورد یورش بیگانه قرار گرفته و نیز اشغال و استثمار شده است ولی هرگز مستعمره کشور بیگانه ای نبوده است.

4 – Great Britain، Foreign Office، Historical Section، Handbook، Persia، London (1919)، p،102

5 – Monteil، M.، "Les Tribus du Fars et la sédentarisation des nomades"، Paris (1966)، p206.

6 – McKale D. M.، "War by Revolution: Germany and Great Britain in the Middle East in the Era of World War I"، Kent State University Press (1998)، p142

7 – **سورنپهلو، شاپور** " **حلقه های گم شده و ناگفته های تاریخ: دکتر محمد مصدق، مردی پنهان در زیر غبار دروغ های تاریخ!**

8 – Safiri "History of South Persia Rifles," Ph.D. diss., University of Edinburgh (1976), p78.